

Velayat-e faqih in the thought of Ayatollah Mahdavi kani

Hadi Tahan Nazif*
Sajjad Ghelichpour**
Aminallah Paknejad***

Received: 2019/05/31
Accepted: 2019/12/18

The issue of Velayat-e faqih has been an important argument in Islamic studies. Imam Khomeini and his followers, redefined this theory and established a State upon it. One of the great thinkers who has made important remarks in this regard is Ayatollah Mahdavi kani. The purpose of this study is to explain the theory of velayat-e faqih, from the viewpoint of Ayatollah Mahdavi, in a method of content analysis. For this, important aspects of this theory, such as legitimacy of Islamic State, limits of Vali-e faqih, Vali-faqih traits and supervision over leadership has been analyzed. Ayatollah Mahdavi describes the necessity of forming an Islamic state from sharia and the basis of the Islamic ruling's legitimacy from divine appointment (appointment theory) and recognizes the position of people in Islamic rule only in the stage of reality and implementation of the Islamic state. In addition, in the case of the rule of the jurist, he is regarding the absolute rule of the jurist, and accordingly, explaining the relation of the constitution and Vali-e faqih and regarding "protection Supervision" in the case of supervising the leadership.

Keywords: Islamic State, Legitimacy, Mohammadreza Mahdavi kani, People, Power Control, Velayat-e faqih.

* Assistant Professor of Islamic Studies and Public Law at Imam Sadiq University, Tehran, I.R.Iran. tahan@isu.ac.ir

** Ph.D Student in Islamic Studies and Public Law at Imam Sadiq University, Tehran, I.R.Iran (Corresponding author). ghelichpour73.isu@gmail.com

*** Ph.D Student in Islamic Studies and Public Law at Imam Sadiq University, Tehran, I.R.Iran. paknejad.aa@gmail.com

ولایت فقیه در اندیشه آیت‌الله مهدوی کنی (رحمة‌الله‌علیه)

نوع مقاله: پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۳/۱۰

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۹/۲۷

مقاله برای بازنگری به مدت ۳۶ روز نزد نویسندگان بوده است.

هادی طحان نظیف*

سجاد قلیچ پور**

امین‌الله پاک‌نژاد***

چکیده

مسئله ولایت فقیه و فروع آن از دیر باز محل بحث فقها و اندیشمندان شیعی بوده است. امام خمینی (رحمة‌الله‌علیه) نیز با طرح مجدد این مسئله و تکمیل آن توانستند در عمل نیز به تشکیل حکومت اسلامی نائل شوند. در طریق مبارزات انقلاب اسلامی و پس از آن، شاگردان ایشان از جمله آیت‌الله مهدوی کنی نیز به بسط، تبیین و ترویج این نظریه پرداختند. هدف از این پژوهش، تبیین نظریه ولایت فقیه از منظر آیت‌الله مهدوی کنی به روش تحلیل محتوا است. برای این منظور ابعاد مهمی از این نظریه از قبیل مشروعیت حکومت اسلامی، حدود اختیارات ولی فقیه، صفات ولی فقیه و نظارت بر رهبری مورد تحلیل قرار گرفته است. آیت‌الله مهدوی کنی ضرورت تشکیل حکومت اسلامی را امری برخاسته از شرع و مبنای مشروعیت حاکم اسلامی را انتصاب الهی (نظریه انتصاب) می‌دانند و جایگاه مردم در حکومت اسلامی را صرفاً در مرحله فعلیت و تحقق حکومت اسلامی به رسمیت می‌شناسند. ایشان در خصوص اختیارات فقیه، قائل به ولایت مطلقه فقیه بوده و بر همین اساس رابطه ولی فقیه و قانون اساسی را تبیین می‌کنند و در خصوص نحوه نظارت بر رهبری نیز قائل به «نظارت حراستی» هستند.

واژگان کلیدی: حکومت اسلامی، محمدرضا مهدوی کنی، نظارت بر قدرت، مردم.

* استادیار معارف اسلامی و حقوق عمومی دانشگاه امام صادق علیه‌السلام، تهران، جمهوری اسلامی ایران.

tahan@isu.ac.ir

** دانشجوی دکتری معارف اسلامی و حقوق عمومی دانشگاه امام صادق علیه‌السلام، تهران، جمهوری اسلامی

s.ghelichpour@isu.ac.ir

ایران (نویسنده مسئول).

*** دانشجوی دکتری معارف اسلامی و حقوق عمومی دانشگاه امام صادق علیه‌السلام، تهران، جمهوری اسلامی ایران.

A.paknejad@isu.ac.ir

مقدمه

بیان مسئله: مسئله ولایت و مرجعیت جریان فقاقت به عنوان اصلی‌ترین رکن اداره امور جامعه در دوران غیبت امام عصر از دیرباز محل نظر و بحث فقهای شیعه بوده است. هر چند اصل وجود این ولایت برای فقها در عصر غیبت امری اجماعی است، لکن در برخی فروع این مسئله میان فقها اختلاف نظر وجود دارد. بر این اساس لازم می‌آید تا با رجوع به اندیشه فقها و تحلیلگران مختلف، این موضوع به صورت مستمر به بحث گذارده شده و متناسب با مقتضیات زمانی و مکانی باز تولید گردد. در این نوشتار اندیشه آیت‌الله مهدوی کنی (رحمة‌الله‌علیه) که از شاگردان برجسته امام (رحمة‌الله‌علیه) بودند، انتخاب گردیده است.

اهمیت: استفاده از محضر فقهای بزرگی همچون امام خمینی (رحمة‌الله‌علیه) و آیت‌الله بروجردی (رحمة‌الله‌علیه)، مبارزات مستمر اجتماعی و سیاسی علیه رژیم طاغوت، مسئولیت‌های سیاسی، امامت جمعه تهران، سال‌ها مدیریت و تدریس در یک مرکز علمی اسلامی (دانشگاه امام صادق علیه‌السلام) و نهایتاً ریاست مجلس خبرگان رهبری، ابعادی چند از حیات علمی و سیاسی آیت‌الله مهدوی کنی است که تماماً بر اهمیت جایگاه اندیشه ایشان در بحث حاضر دارد. افزون بر اینکه موضوع ولایت فقیه به دلیل قراردادن در کانون نظام سیاسی ایران، دارای اهمیت راهبردی نیز می‌باشد.

ضرورت: در باب بازخوانی نظرات و تحلیل اندیشه آیت‌الله مهدوی کنی با تمرکز بر موضوع ولایت فقیه، چنانکه شایسته است تحقیق نشده و این امر می‌تواند به تضعیف بنیان‌های این نظریه منجر شود، بنابراین ضرورت نظری وجود دارد که ورود به این بحث را لازم می‌سازد.

اهداف: پژوهش حاضر سعی بر تبیین برخی از مهم‌ترین ابعاد نظریه ولایت فقیه از منظر آیت‌الله مهدوی کنی دارد. با توجه به اینکه این نظریه ابعاد مختلفی دارد و بحث منظم و منقحی از ایشان در این خصوص ارائه نشده، هدف اصلی از جنس نظری بوده و دانش‌افزایی اسلامی - بومی مدنظر است.

سؤال‌ها: پرسش‌های مقاله ناظر بر چیهستی، جایگاه و حیطه اختیارات ولی فقیه به عنوان محورهای اصلی بحث در اندیشه آیت‌الله مهدوی کنی است.

۱. پیشینه تحقیق

بعد از غیبت امام زمان، ولایت فقیه در اندیشه علمای شیعه مورد توجه بوده است و به همین خاطر در کتب بسیاری به این موضوع پرداخته شده است. در یک دسته‌بندی کلی می‌توان این آثار را به دو صورت کلی تقسیم کرد:

۱-۱. آثاری که به صورت مستقل به ولایت فقیه پرداخته‌اند. در این آثار همه ابعاد ولایت فقیه در یک کتاب پرداخته شده است. از جمله این آثار که با وقوع انقلاب اسلامی رواج بیشتری پیدا کرده است به شرح زیر است: ولایت فقیه (خمینی، ۱۳۹۱)، ولایت فقیه: ولایت فقهت و عدالت (جوادی آملی، ۱۳۹۱)، دراسات فی ولایة الفقیه و فقه الدولة الاسلامیه (منتظری، ۱۴۰۹ق) و مبانی حکومت اسلامی (جوان آراسته، ۱۳۸۸).

۱-۲. آثاری که به صورت مستقل به ولایت فقیه نپرداخته‌اند. در این آثار مسئله ولایت فقیه بخشی از مباحث آن می‌باشد. در این زمینه می‌توان به آثار زیر اشاره کرد: جواهرالکلام (نجفی، بی‌تا)، السرائر (ابن ادریس حلی، بی‌تا) و المقنعه (مفید، بی‌تا). وجه تمایز پژوهش حاضر با منابع مذکور اولاً. تمرکز بر موضوع ولایت فقیه در اندیشه آیت‌الله مهدوی کنی و ثانیاً. مقایسه و جایابی نظرات ایشان در منظومه نظرات فقهی - حقوقی موجود است. در خصوص موضوع پژوهش حاضر، تاکنون پژوهش مستقل دیگری صورت نگرفته است و از این حیث عنوان پژوهش حاضر کاملاً بدیع است.

۲. روش پژوهش

با توجه به اهداف پژوهش و محدودیت منابع، از روش تحلیلی محتوای متن محور استفاده شده است. تحلیل محتوا توصیف نظام‌مند و به عبارتی کمی یا کیفی متن یا سخن است. تحلیل محتوا در واقع کشف محتوای پنهان داده‌ها از ورای گفته‌ها است (جاوید، ۱۳۹۱، ص. ۱۵۸). تحلیل محتوا به عنوان یک روش علمی، نخستین بار در قرن بیستم در قالب تحلیل محتوای کمی و سپس در قالب تحلیل محتوای کیفی رواج یافت. با توجه به اینکه تحلیل محتوای کیفی در تحلیل داده‌های متنی کاربرد بیشتری دارد، استفاده از تحلیل محتوای کیفی در فهم و تحلیل پدیده‌های حوزه علوم انسانی، به سرعت گسترش یافت. تحلیل محتوای کیفی روشی است که جهت تفسیر محتوای داده‌های متنی از طریق فرایندی منظم، کدبندی شده و با رعایت پیش زمینه حاکم بر

داده‌ها، صورت می‌گیرد. تحلیل محتوای کیفی دارای سه رویکرد عرفی، جهت‌دار و تلخیصی است که هر یک در گونه خاصی از پژوهش کاربرد دارند. در مجموع تمام این گونه‌های تحلیل محتوا در پی آن هستند تا ویژگی‌های ظاهری یک متن را به شکل عینی و نظام‌مند برای مخاطب توصیف نمایند. در مواقعی که با محدودیت داده‌ها روبرو هستیم؛ به طور طبیعی تحلیل محتوای کیفی با رویکرد عرفی توصیه می‌شود (ایمان و نوشادی، ۱۳۹۰، صص. ۱۶-۲۸). امتیاز بارز این روش آن است که ایده‌ای بر متن تحمیل نشده و الگو از درون داده‌ها استنباط می‌شود. در این پژوهش مطابق با این روش، گام‌های اجرایی زیر برداشته شده است:

گام اول. تولید داده در موضوع

جهت دستیابی به داده‌های مورد نیاز و تولید فیش‌های موضوعی، منابع مرتبط با اندیشه و عمل آیت‌الله مهدوی کنی مورد استفاده قرار گرفته است. مهم‌ترین منابع مورد مطالعه در جدول زیر معرفی شده‌اند:

جدول شماره (۱): مشخصات کتب اصلی در موضوع ولایت فقیه از منظر آیت‌الله مهدوی کنی (رحمة‌الله‌علیه)

کد	سال انتشار	عنوان کتاب
A	۱۳۹۰	عقل و دین
B	۱۳۸۰	بیست گفتار
S	۱۳۹۳	سیاست اخلاقی و اخلاق سیاسی
H1	www.isna.ir/news/92121409853	سخنرانی در اختتامیه پانزدهمین اجلاس دوره چهارم مجلس خبرگان رهبری (۹۲/۱۲/۱۴)
H2	http://farsi.khamenei.ir/others-note?id=19839	سخنرانی در همایش «نظریه بیداری اسلامی در اندیشه سیاسی حضرت امام (رحمة‌الله‌علیه) و حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای» (۱۳۹۱/۲/۲۶)
H3	www.khabaronline.ir/news/220989	سخنرانی در دیدار مسئولان و خانواده شهدای حزب مؤتلفه اسلامی ۱۳۹۱/۳/۲۶

کد	سال انتشار	عنوان کتاب
P	هادی طحان نظیف	مصاحبه با آیت‌الله مهدوی کنی مندرج در پایان‌نامه «ماهیت و جایگاه سیاست‌های کلی نظام در حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران»

گام دوم. تبیین موضوع

برای شناخت هر چه بهتر موضوعات، نگارندگان با استفاده از روش توصیفی با تحلیل مهم‌ترین منابع موجود در هر بخش، تصویری نسبتاً جامع از موضوع مورد بحث و نظرات گوناگون در آن زمینه طرح کرده‌اند که با استفاده از آن می‌توان ریشه‌های فکری و جایگاه نظرات آیت‌الله مهدوی کنی را در مقایسه با سایر نظریات شناسایی کرد.

گام سوم. ترسیم جداول معنایی

کدگذاری، فرایندی است که طی آن متن مطالعه، تحلیل و سپس متناسب با دلالتی که دارد، عددی (کدی) برای آن تعریف می‌شود که در نتیجه آن، معنای مورد نظر در دسته‌ای خاص و معین جای می‌گیرد. به تعبیری، کدگذاری فرایند خرد نمودن موضوع و سپس اتصال دادن یافته‌ها با هدف دستیابی به کلیتی جدید است.

گام چهارم. تحلیل کدهای تحلیلی

با توجه به بسته‌های معنایی، محققان در ذیل هر جدول، تحلیل‌های ناظر بر شبکه ارتباطات بین معانی و مفاهیم را ارائه داده و به اقتضای بحث، آن‌ها را جایابی و با نظریات موجود تطبیق داده‌اند.

۳. ضرورت تشکیل حکومت اسلامی و مبانی مشروعیت حاکم اسلامی

به عقیده شیعه، پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله) هم قانون الهی را بیان فرمود و هم در جهت اجرای آن به تشکیل حکومت اقدام کرده و ولایت و رهبری اجتماعی جامعه مسلمین را خود بر عهده گرفت، آنچه خاتمیت اسلام را تضمین می‌کند، استمرار همین امور است که در قرآن و عترت متجلی می‌شود (جوادی آملی، ۱۳۹۱، صص. ۲۳۵-۲۳۹). بر این اساس ولایت فقیه از مسلمات فقه شیعه است و به تعبیر مرحوم صاحب جواهر کسی که در آن تردید کند، چیزی از طعم فقه نچشیده است (نجفی، بی‌تا، ص.

۳۹۷). در تعبیری مشابه نیز امام خمینی (رحمة الله علیه) ولایت فقیه را جزو اموری می‌داند که تصور آن موجب تصدیق آن است و چندان نیاز به برهان ندارد. بدین معنا که هرکس احکام و عقاید اسلام را ولو اجمالاً شناخته باشد، ولایت فقیه را ضروری و بدیهی می‌داند (خمینی، ۱۳۹۱، ص. ۹). هر چند اصل ولایت فقیه مورد اجماع فقهای امامیه در عصر غیبت بوده است، لکن در خصوص مسائلی نظیر حدود اختیارات فقیه و مبنای مشروعیت حکومت ولی فقیه (در صورت تشکیل حکومت از جانب فقیه)، میان فقها اختلاف نظر وجود دارد. در صورت پذیرش ضرورت تشکیل حکومت در دوران غیبت، بحث از مبنای مشروعیت ولی فقیه مطرح می‌شود.

حکومت دموکراتیک، حکومت مردم، توسط مردم و برای مردم است و نهاد انتخابات از لوازم دموکراسی محسوب می‌شود (قاضی شریعت‌پناهی، ۱۳۹۳، ص. ۶۴۴). بنابراین در نظام‌های سیاسی دموکراتیک، نمی‌توان میان مشروعیت و مقبولیت مردمی تفکیکی قائل شد، چون حاکمیت فردی مشروع است که منتخب اکثریت مردم باشد و معیار مشروعیت صرفاً خواست اکثریت مردم است، لکن در نظام سیاسی اسلام (با قرائت شیعی) قضیه متفاوت است. در خصوص حاکمیت پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) و ائمه معصومین (علیهم السلام) همه فقهای امامیه متفقند که مبنای مشروعیت آنان اراده الهی بوده است، اما در خصوص مبنای مشروعیت ولایت فقها (در مرتبه جعل و اعتبار ولایت)، دو نظریه عمده انتخاب و انتصاب وجود دارد. ولایت فقیه به حسب تحقق خارجی آن سه مرتبه دارد:

الف. مرتبه استعداد و صلاحیت: بدین معنا که شرایط لازم برای حکومت و اعمال ولایت تعیین شود.

ب. مرتبه جعل و اعتبار: بدین معنا که منصب ولایت از ناحیه کسی که ولایت برای وی مسلم است، برای شخص واجد صلاحیت جعل گردد.

پ. مرتبه سلطه و فعلیت: بدین معنا که قدرت به صورت بالفعل از سوی مردم به حاکم واجد صلاحیت واگذار شود (منتظری، ۱۴۰۹ق، ص. ۷۵).

با توجه به تقسیم‌بندی فوق، قائلین نظریه انتصاب بر این باورند که نقش مردم فقط در مرتبه سوم یعنی سلطه و فعلیت ولایت ظاهر می‌شود، بدین معنا که حکومت

اسلامی به قهر و غلبه بر مردم تحمیل نمی‌شود، لکن مرتبه تعیین شرایط ولی و جعل و اعتبار ولایت را صرفاً از جانب خداوند متعال می‌دانند و معتقدند که اراده مردم تأثیری بر آن ندارد و مردم هر چند تکویناً مختار هستند، لکن به حسب تشریح مکلفند که از فرامین ولی الهی اطاعت کرده و تحت ولایت وی قرار گیرند. در مقابل قائلین نظریه انتخاب معتقدند که شارع فقط در مرحله اول یعنی تنصیب صفت ورود کرده است و علاوه بر فعلیت ولایت، جعل و اعتبار قانونی ولایت فقیه را نیز به مردم واگذار کرده است، لذا در این دیدگاه مشروعیت مبنایی الهی - مردمی دارد. صفات از سوی خدا تعیین شده و مردم در چارچوب شرایط، ولایت را برای یکی از فقهای جامع الشرایط جعل می‌کنند (منتظری، ۱۴۰۹ق، ص. ۴۰۵). در نظریه انتصاب مردم حاکم اسلامی را کشف می‌کنند، لکن در نظریه انتخاب وی را برای این منصب، انتخاب کرده و ولایت را برای وی جعل می‌کنند.

جدول شماره (۲): مدارک مرتبط با موضوع ضرورت حکومت اسلامی و مبنای مشروعیت حاکم اسلامی

کد	دلالت	منبع	متن
۱	استدلال عقلی و نقلی بر لزوم وجود حکومت اسلامی و ولی الهی	A:190-191	<p>۱. مردم با اختیار خود دین را می‌پذیرند.</p> <p>۲. دین باوری مستلزم پذیرش تمام آثار و احکام دین است.</p> <p>۳. اسلام، دینی سیاسی و اجتماعی است؛ یعنی علاوه بر امور وجدانی، اخلاقی و عبادی، دارای احکام و دستوراتی است که مربوط به شئون سیاست و اجتماع است، بالاخره دارای دو هویت جمعی و فردی است و در هویت جمعی نیز حاکمیت با اسلام و قرآن است و مردم موظفند مقدمات چنین حکومتی را فراهم آورند.</p> <p>۴. چنین دینی نیاز به اعمال قدرت و حاکمیت دارد.</p> <p>۵. حاکمیت دینی را از بیرون دین نمی‌توان و نشاید بر دین تحمیل کرد، پس حاکمیت از درون دین می‌جوشد، چنانکه قرآن می‌فرماید: «یا ایها الذین آمنوا أطیعوا الله و أطیعوا الرسول و اولی الامر منکم...» (نساء / آیه ۵۹) حتی اولی الامر باید از خودتان باشد، نه از بیرون، بنابراین به اعتقاد شیعه دین بدون حاکمیت، دینی ناقص است.</p>

کد	دلالت	منبع	متن
			۶. خداوند به وسیله پیامبر (صلی الله علیه و آله)، حاکم و حاکمیت را معرفی کرده است.
۲	ولایت فقیه ضامن اجرای بسیاری از مقررات اسلامی در عصر غیبت اجماع نظر فقها بر ولایت فقیه در عصر غیبت	A:198	رابطه و ارتباط تنگاتنگ شیعیان با فقه و فقاہت، از واضحات تاریخ شیعه و مذهب تشیع است... البته گستره ارتباط میان مردم و رهبران دینی در بستر تاریخ، به مقتضی تبدل اوضاع و احوال و امکانات عملاً دچار قبض و بسط و سعه و ضیق بوده است، ولی هیچ فقیهی را نشاید که اصل آن را انکار کند که ولایت فقیه ضامن اجرای بسیاری از احکام و مقررات سیاسی - اجتماعی اسلام در زمان غیبت امام عصر است.
۳	ضرورت ولایت و حکومت اسلامی ولایت برخاسته از شرع	A:165-166	ولایت امری نیست که ضرورت اجتماعی آن را بر ما تحمیل کرده و ما را وادار کند که به سوی تشکیل چنین حکومتی برویم. البته مقصود این نیست که اصل حکومت ضرورتی ندارد، بلکه مقصود این است که حکومت با این خصوصیت و این شکل و محتوا، برخاسته از متن و دستور شرع است و از بیرون وارد نشده است؛ لذا در مواردی که حکومت‌های غیردینی و غیرالهی وجود دارد، باز هم ولایت و حاکمیت امام ضروری است و مؤمن هیچ جا از این ولایت و تولی بی نیاز نیست.
۴	عدم تعلیق مشروعیت ولایت الله به پذیرش مردم رابطه اختیار و آزادی مردم و ولایت الهی	A:166-167	برخی... گفته‌اند که مشروعیت ولایت الله به پذیرش مردم است! و به آیه «إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَّ إِمَّا كَفُورًا» استناد جسته‌اند... ولی بطلان این استدلال روشن است، زیرا آیه شریفه در مقام نفی جبر است و نه در مقام نفی تکلیف و الزام؛ یعنی انسان در عین حال که مختار آفریده شده است، ولی شرعاً ملزم است که راه راست را اختیار کند و ولایت خدا را بر ولایت دیگران مقدم بدارد... اصولاً انسان تا آزاد نباشد، تکلیف معنا ندارد.
۵	نصب الهی، ملاک مشروعیت ولایت معصوم	A:187-188	ما شیعیان معتقدیم که قبول یا عدم قبول مردم، ملاک مشروعیت ولایت معصوم (علیهم السلام) نیست، بلکه تعیین و نصب خداوند ملاک است. ممکن است سؤال شود

کد	دلالت	منبع	متن
	مقبولیت مردمی عامل تنجز مسئولیت ولایت		که اگر این‌گونه است، پس چرا حضرت در خطبه شمشقیه می‌فرمایند: «اگر این مردم نمی‌آمدند و حجت بر من تمام نمی‌شد ریسمان خلافت را به دست همان‌ها که بود، رها می‌کردم».
	پشتیبانی و حمایت مردمی از ارکان تشکیل حکومت اسلامی		... جواب این است که منظور امام این است که با بیعت مردم، حجت بر من تمام شد و مسئولیتم (و نه مشروعیتم) تنجز یافت... و عذری برای سکوت و کناره‌گیری حضرت باقی نگذاشت... بنابراین حضرت، حضور مردم را پشتوانه اعمال ولایت می‌داند و نه مصحح آن.
۶	جایگاه مقبولیت در تشکیل حکومت اسلامی	A:196	حکومت دینی یعنی حاکمیت عقیده و حاکمیت فرهنگ دینی مورد قبول مردم. بدیهی است که حاکمیت عقیده زمانی میسر است که عقیده‌مندان از آن حمایت کنند و عملاً حاکمیت دین را بپذیرا شوند.
۷	جایگاه مقبولیت مردم در بقای حکومت اسلامی	A:200	حکومت مردمی آن نیست که تنها در مقام حدوث با پشتوانه مردمی ایجاد شود، بلکه حکومت مردمی آن است که در مقام حدوث و بقا از پشتیبانی و رضایت مردم برخوردار باشد، مخصوصاً در بقا. تحصیل رضایت مسلمین با عدل و داد و اجرای حدود الهی، از ارکان مردمی بودن حکومت است.
۸	گناه تضعیف ولایت و حکومت اسلامی	A:192	کسانی که به انحای گوناگون در مقام تضعیف ولایت و حکومت بر آیند، گناهکارند.
۹	مشارکت سیاسی در نظام اسلامی، هم حق و هم تکلیف	A:193	در نظام‌های سیاسی، حضور مردم در صحنه به عنوان حق اجتماعی تلقی می‌شود. رأی دادن مردم تنها استفاده از حق قانونی است و ترک آن هیچ‌گونه مسئولیت قانونی ندارد، لکن در نظام اسلامی و ولایی حضور و اظهار عقیده هم حق است و هم تکلیف و ترک آن گناه و جرم محسوب می‌شود.
	تکلیف بر حفظ و تقویت حکومت اسلامی		

کد	دلالت	منبع	متن
۱۰	عدم اطاعت مردم موجب تعلیق مسئولیت حاکم	A:195	سریچی مردم از دستورات حاکم موجب تعلیق مسئولیت حاکم الهی و امام معصوم (علیهم‌السلام) است، نه رافع صلاحیت و مشروعیت وی.

آیت‌الله مهدوی کنی (رحمة‌الله‌علیه) هم چون سایر فقهای امامیه، اصل ولایت فقیه در عصر غیبت را امری مسلم دانسته و قلمرو اختیارات ولی فقیه را متناسب با اوضاع و احوال زمانه متفاوت می‌داند (کد: ۲). به نظر ایشان اسلام دینی جامع است و برای همه شئون زندگی انسان از جمله شئون اجتماعی و سیاسی برنامه دارد و برای پیاده‌سازی این تعالیم در اجتماع نیز مجریانی تعیین کرده است، در زمان حیات پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) ایشان عهده‌دار حکومت و ولایت جامعه اسلامی بودند و پس از آن نیز به امر خداوند، حضرت علی علیه‌السلام و ائمه معصومین (علیهم‌السلام) را به عنوان رهبر جامعه اسلامی معرفی نمودند و در عصر غیبت نیز بنا بر ادله عقلی و نقلی متعدد، فقها محل رجوع مؤمنین و ضامن اجرای بسیاری از احکام سیاسی و اجتماعی اسلام هستند و رابطه میان مردم و جریان فقاقت در عصر غیبت امری مسلم و انکارناپذیر است (کد: ۱).

بر اساس اندیشه آیت‌الله مهدوی کنی (رحمة‌الله‌علیه)، مبنای مشروعیت ولایت فقیه به عنوان حاکم جامعه اسلامی، ضرورت اجتماعی و به تبع آن خواست مردم نیست، بلکه ولایت فقیه امری برخاسته از متن شرع است و در طول ولایت الهی قرار دارد، بنابراین قبول یا عدم قبول مردم، معیار مشروعیت ولی فقیه نیست و فقط تعیین و نصب خداوند ملاک است (کد: ۳ و ۵). بر اساس نظر ایشان، مردم نیز هر چند به حسب تکوین مختار هستند که ولایت الهی و از جمله ولایت معصومین (علیهم‌السلام) و یا ولایت فقیه را بپذیرند، لکن از نظر تشریحی مکلف به انجام چنین کاری هستند و اگر ولایت الهی را نپذیرفته و به تحت ولایت طاغوت قرار گیرند، مرتکب گناه شده‌اند (کد: ۴). طبق نظر ایشان حضور مردم صرفاً پشتوانه‌ای برای اعمال ولایت است و چون اسلام دین عقیده است و عقیده نیز تحمیلی نیست، در صورت عدم تمایل و خواست مردم دیگر جایی برای اعمال ولایت باقی نمی‌ماند و عملاً امکان تحقق خارجی حکومت اسلامی از بین می‌رود،

لذا عدم حضور و حمایت مردم رافع مشروعیت نیست، بلکه صرفاً مسئولیت ولی الهی را در تشکیل حکومت اسلامی معلق می‌کند (کد: ۵، ۶ و ۱۰).

ایشان بنا بر ماهیت حکومت اسلامی که مبتنی بر عقیده و فرهنگ اسلامی است، پشتیبانی مردم را هم در مرحله تأسیس و هم در مرحله بقای حکومت اسلامی لازم دانسته و امکان حکمرانی اسلامی بدون حضور و حمایت مردم را غیرممکن می‌دانند و بر همین اساس کسب رضایت و مقبولیت مردمی با اجرای عدل و داد و حدود الهی را ضروری و از ارکان حکومت اسلامی می‌دانند (کد: ۶ و ۷). بنا بر نظر ایشان پس از حدوث و تأسیس حکومت اسلامی در مرحله بقا و استمرار حکومت اسلامی نیز تضعیف ولی الهی شرعاً حرام است (کد: ۸). اهمیت حضور و حمایت مردمی در اندیشه ایشان تا حدی است که مشارکت و اظهار عقیده در حکومت اسلامی را تکلیفی شرعی می‌دانستند (کد: ۹).

در مجموع به نظر می‌رسد آیت‌الله مهدوی کنی (رحمة‌الله‌علیه) در باب مبنای مشروعیت ولی فقیه، معتقد به نظریه انتصاب هستند؛ به نحوی که از یک طرف ولی الهی بدون رضایت و حمایت مردمی بر آنان حکومت نمی‌کند و مسئولیتش معلق می‌شود و از جانب دیگر مردم نیز مکلف به تبعیت از ولی الهی هستند و اگر در مقابل حاکمیت طاغوت سکوت کنند، مرتکب گناه شده‌اند.

۴. حدود اختیارات ولی فقیه

در باب محدوده اختیارات و وظایف فقیه در عصر غیبت، دو نظر عمده وجود دارد: ولایت مطلقه فقیه و ولایت مقیده فقیه که خود، دو نظر عمده ولایت مقید به امور حسبیه و ولایت مقید به شروط ضمن عقد انتخاب را در بر می‌گیرد (راجی، ۱۳۸۷، ص. ۸).

۴-۱. ولایت مطلقه فقیه

قائلین این نظریه بر این باورند که محدوده اختیارات فقیه در امور حکومتی (و نه تکوینی) با اختیارات معصوم تفاوتی ندارد و به همان اندازه است (خمینی، ۱۴۱۰ق، ص. ۴۹۷)، بنابراین در مواقع تردید در اختیارات فقیه، اصل بر این است که فقیه در عرصه حکومت و حکمرانی همه اختیارات معصوم را دارا است و خروج اختیاری

حکومتی از دایره اختیارات فقیه، نیازمند دلیل است. از مهم‌ترین قائلین این نظریه می‌توان به شیخ مفید، شیخ طوسی، محقق حلی، محقق کرکی، مقدس اردبیلی، فیض کاشانی، ملا احمد نراقی، صاحب جواهر، آیت‌الله بروجردی و آیت‌الله گلپایگانی اشاره کرد (راجی، ۱۳۸۷، صص. ۱۷-۲۰).

۴-۲. ولایت مقیده فقیه

ولایت مقیده به طور کلی بدین معنا است که فقیه دارای اختیارات امام معصوم (علیهم‌السلام) نمی‌باشد و برای اثبات هر اختیاری برای وی نیازمند دلیل هستیم. قائلین بر این نظر از جهت قیودات وارد بر اختیارات فقیه به دو دسته عمده تقسیم می‌شوند:

اول. مقید به امور حسبیه

عده‌ای از فقها ولایت فقیه را منحصر در امور حسبیه می‌دانند. منظور از امور حسبیه هر عملی است که می‌دانیم شارع اراده بر وجود آن را دارد و رضایت بر ترک آن ندارد (خمینی، ۱۴۱۰ق، ص. ۴۹۷). همچنین عنوان یاد شده در کلمات فقها گاه در مفهوم خاص به کار رفته و از آن، اموری اراده شده که در شریعت، متصدی خاص یا عامی برای آن تعیین نشده است، مانند: سرپرستی افراد صغیر و دیوانه بدون سرپرست، اموال فرد مفقودالثر، موقوفات بدون متولی، وصایای بدون وصی و صرف خمس (هاشمی شاهرودی، بی‌تا، ص. ۶۹۹ به نقل از حسینی، بی‌تا، ص. ۵۷۱). از جمله قائلین این نظر آیت‌الله سید ابوالقاسم خویی، آیت‌الله سید محسن حکیم و آیت‌الله میرزا جواد تبریزی هستند.

دوم. مقید به شروط ضمن عقد انتخاب

در شرح نظریه انتخاب در بحث پیشین اشاره شد که مبنای مشروعیت ولایت فقیه در این نظریه، الهی - مردمی است و اگر این انتخاب و تشکیل حکومت اسلامی را یک عقد شرعی الزام‌آور میان مردم و فقیه بدانیم، مردم می‌توانند ولایت فقیه را مقید به شروط ضمن این عقد بکنند؛ برای مثال قواعد مندرج در قانون اساسی می‌تواند به عنوان شروط ضمن عقد انتخاب تلقی شود. محدوده اختیارات فقیه بر اساس اندیشه آیت‌الله مهدوی کنی به شرح ذیل است:

جدول شماره (۳): مدارک مرتبط با موضوع محدوده اختیارات فقیه

کد	دلالت	منبع	متن
۱۱	ولایت فقیه، ولایت انبیاء	D: 232	اصلاً ولایت فقیه همان ولایت انبیاء است، فقط کیفیت پیاده شدن ولایت به تناسب زمان تغییر می‌کند، مثلاً اگر امام ۴۰۰ سال پیش انقلاب می‌کرد، نظام اسلامی و شیعی ایران و قانون اساسی و مجلس شورای آن به شکل فعلی نبود... رأی ملت همان شورا است که در قرآن آمده است و یک اصل به شمار می‌رود. از آن طرف ولایت فقیه هم یک اصل است... اما کیفیت پیاده شدن هر اصل به تناسب زمان و مکان باید به وسیله مجتهدان و علما و خبرگان ترسیم شود.
	تغییر کیفیت اجرای ولایت به تناسب زمان		
	تعیین کیفیت اجرای ولایت توسط خبرگان و مجتهدان		
۱۲	کیفیت پیاده شدن ولایت فقیه در جمهوری اسلامی ایران	D: 233	ما به تفکیک قوا قائل هستیم. قائلیم که قوه قضاییه کار خودش را می‌کند و قوه مجریه کار خودش را و... تمام نهادها و قوا و سازمان‌ها که بیکره این نظام را تشکیل دادند، البته با حفظ اصل کلی که بالای همه آن‌ها قرار دارد، یعنی ولی فقیه. ما در زمان امام وقتی در دولت مشغول کار بودیم، خدمت امام می‌رفتیم و مسائلی را که مورد اختلاف دولت و مجلس بود، مطرح می‌کردیم. امام می‌فرمود بروید با کارشناسان صحبت و مشورت کنید و چاره را بیابید. این طور نبود که امام به عنوان ولی فقیه دستور بدهد و به جای همه تصمیم بگیرد... امام ادعای رهبری داشت، نه ادعای کارشناسی در همه چیز، از همین رو به کارشناسان احترام می‌گذاشت... ولی فقیه حتی زمانی که وارد میدان می‌شود نیز با مشورت مجمع تشخیص مصلحت و دیگران نظام دستوری صادر می‌کند.
	ضرورت مشورت ولی فقیه با کارشناسان		
۱۳	ولایت مطلقه فقیه در قانون اساسی	P: 206-207	برای اینکه در قانون اساسی مسئله ولایت فقیه به عنوان مطلق کاملاً تبیین شود، این دو مطلب (بندهای ۱ و ۲ اصل ۱۱۰ قانون اساسی در خصوص سیاست‌های کلی نظام) را اضافه کردند... ما هم گفتیم آن ده مورد در اصل ۱۱۰ به عنوان برخی از اختیارات بوده و نه برای محصور کردن ولی فقیه.
	عدم انحصار اختیارات ولی فقیه در اصل ۱۱۰		

کد	دلالت	منبع	متن
۱۴	ولایت مطلقه به معنای أخذ همه دستورات از ولی فقیه نیست.	P: 207	اگر معنای مطلقه را این بگیریم که ولی فقیه به همه دستور بدهند و همه اطاعت کنند، شاکله و ساختار قانون اساسی به هم می‌ریزد و حتی روش امام هم این نبود که از بالا دستور دهند، چرا که در این صورت دولت و خصوصاً قوه مقننه را نمی‌خواستیم... امام می‌گفتند که در عین حال که ولایت مطلقه را قبول داریم، ولی أمر می‌تواند اعمال ولایت کند، باید به طور کلی هرمی باشد و نه اینکه از بالا عمودی کار کند و هر چه ولی فقیه بگوید انجام شود.
	جریان قدرت هرمی به جای عمودی		
۱۵	رعایت سلسله مراتب تصمیم‌گیری توسط امام در شرایط عادی	P: 207	سلسله مراتب را امام عملاً حفظ می‌کردند که تمام قوا کار خود را انجام دهند، ولی در برخی موارد بحرانی امام اظهار نظر می‌کردند... من خودم با امام در ماه‌های آخر عمرشان صحبت کردم، ایشان می‌گفتند: «...مادامی که بشود امور را به صورت عادی انجام داد، اعمال ولایت به معنای هدایت کردن قوا و هماهنگی بین آنها را انجام می‌دهم، ولی در موارد حساس، نه».
	لزوم اعمال ولایت ولی فقیه در شرایط خاص و بحرانی		

آیت‌الله مهدوی کنی قائل به ولایت مطلقه فقیه بودند. بنا بر اندیشه ایشان، ولایت فقیه همان ولایت انبیاء است (کد: ۱۱). بنابراین نظر ایشان با وجود اینکه اصل ولایت فقیه در فقه شیعه امری مسلم است، لکن کیفیت پیاده شدن ولایت فقیه در طول زمان تغییر می‌کند، لذا ایشان ولایت مطلقه فقیه را محصول تطور فقه شیعه و متناسب با نیازهای حال حاضر می‌دانستند (کد: ۱۱).

به عقیده ایشان، ولایت فقیه با حکومت‌های دیکتاتوری تفاوت اساسی دارد؛ لذا همان‌طور که ولایت فقیه در حکومت اسلامی یک اصل است، اداره امور با شور و مشورت مردم نیز یک اصل است و کیفیت قرارگیری این دو امر در کنار یکدیگر متناسب با هر عصر و با نظر فقها و خبرگان تعیین می‌شود (کد: ۱۱) و در قانون اساسی نیز به همین طریق عمل شده است؛ بنابراین ولایت مطلقه فقیه بدین معنا نیست که ولی فقیه همه کارها را خودش بر عهده می‌گیرد، اگر ولایت مطلقه را به این معنا بگیریم، شاکله و ساختار قانون اساسی به هم می‌ریزد و دیگر به دولت و خصوصاً قوه مقننه نیازی نیست،

لکن خود حضرت امام (رحمة‌الله‌علیه) نیز چنین اعمال ولایتی را نمی‌خواستند و بر این عقیده بودند که باید سلسله مراتب تصمیم‌گیری و جریان عادی امور قوای حکومتی حفظ شود و ولی فقیه ضمن راهنمایی آن‌ها، صرفاً در موارد بحرانی اعمال ولایت کند (کد: ۱۴ و ۱۵) و هر چند به برخی اختیارات ولی فقیه در اصل ۱۱۰ قانون اساسی تصریح شده است، لکن اقتضای ولایت مطلقه این است که اختیارات منحصر در آن موارد نیست و خود حضرت امام هم عملاً خود را محصور به آن موارد نمی‌کردند (کد: ۱۳).

۵. صفات ولی فقیه

با توجه به اینکه منصب ولایت فقیه، همان منصب امامت است، در فقه و منابع اسلامی ویژگی‌هایی برای تصدی این منصب ذکر شده است. امام خمینی در بیان صفات حاکم اسلامی، پس از وجود شرایط عام نظیر عقل و تدبیر، دو شرط اساسی زمامدار اسلامی را علم به احکام و عدالت می‌داند (خمینی، ۱۳۹۱، ص. ۴۷). شیخ مفید نیز برای حاکم و ولی امر مسلمین شرایطی همچون فقاها، عدالت، تدبیر، اهل حق بودن و فضیلت ذکر کرده است (مفید، بی‌تا، ص. ۶۷۵). همچنین ابن ادریس حلی در کتاب السرائر برای حاکم اسلامی هفت شرط علم، عقل، رأی، جزم، تحصیل، بردباری، بصیرت به مواضع صدور فتوای متعدد و امکان قیام به آن‌ها و عدالت قید می‌کند (ابن ادریس حلی، بی‌تا، صص. ۵۳۷-۵۳۹).

با بررسی آثار مکتوبی که از آیت‌الله مهدوی کنی منتشر شده است، مشخص می‌شود که ولی فقیه در اندیشه ایشان دارای شرایط زیر است:

جدول شماره (۴): مدارک مرتبط با موضوع ویژگی‌های ولی فقیه

کد	دلالیت	منبع	متن
۱۶	ویژگی‌های امام جامعه	A: 182	...لذا مردم همان‌گونه که در مقام تقلید برای مرجع تقلیدشان تعیین تکلیف نمی‌کنند... اوامر رهبری را بدون چون و چرا پذیرا هستند. البته امامی که او را به عصمت و فقیه‌ی که او را به صلاح و فلاح و علم و سداد و تقوا و عدالت شناخته باشند.
۱۷	معنای تقوا	S: 113	تقوا به معنای خویشتن‌داری، تقوا به معنای خدا ترسی

کد	دلالت	منبع	متن
			و تقوا به معنای بر حذر بودن از نافرمانی خدا و تقوا به معنای مالک نفس بودن و مالک اراده خویش بودن و خود را از وقوع در مهلکه و سقوط حفظ کردن و خلاصه نگرهداری و نگهبانی از ملکات و خصایل انسانی و یک انسان به تمام معنا است...
۱۸	تقوای مصداقی	S: 113	مسئله تقوا از نظر مصداق درباره اشخاص، تفاوت پیدا می‌کند... یعنی تقوای یک شخصی که در مقام نخست وزیری است با تقوای یک کاسب معمولی فرق می‌کند. برای اینکه آن کاسب و پیشه‌ور معمولی قدرت ندارد کارهایی را انجام دهد که نخست وزیر مملکت می‌تواند انجام دهد و مسئولیتی که به عهده نخست وزیر است بر عهده او نیست... پس قهراً تکلیف او با تکلیف این فرد فرق می‌کند.
۱۹	فلسفه وجود صفات رهبری	S: 101	نمودار تشکیلاتی ما این است که در مقام اداره یک مملکت باید مناسب با آن فکری که در آن جا بناست پیاده شود و برنامه‌ای که مردم پذیرفته‌اند، این سازمان تشکیلاتی پایه‌ریزی شود و در زمان غیبت در رأس آن فقیهی عادل، عالم، شجاع و مدبر قرار گیرد.
۲۰	بینش سیاسی	S: 101	البته ما در اینجا معمولاً و عملاً در مقامی که حکومت تشکیل می‌دهیم ممکن است فقهای متعددی داشته باشیم که از نظر فقه با هم برابر باشند یا یکی بر دیگری برتری داشته باشد، ولی مسلم است که اداره مملکت صفات دیگری هم لازم دارد، یعنی لازمه فقاہتی که ما می‌گوییم به مناسبت آن باید رهبر، فقیه باشد و به همان دلیل باید بینش رهبری هم داشته باشد، بنابراین ممکن است کسی از نظر فقهی هم اعلم باشد، ولی آن جنبه‌های بینشی رهبری را نداشته باشد.
۲۱	داعی به خدا بودن رهبر	S: 58	اصولاً فردی می‌تواند رهبر دینی مردم باشد که... مردم را دعوت به خدا کند و دعوت به خودش نکند.

کد	دلالت	منبع	متن
۲۲	عمل صالح بودن رهبر	S: 58	صفت دوم این است که باید خودش هم عمل صالح داشته باشد... چون کسی که می‌خواهد داعی الی‌الله باشد، باید اول خودش را به سوی خدا دعوت کند، خودش را تعلیم دهد و اول، خودش را بسازد تا خداگونه و خداپرست باشد.
۲۳	لزوم عدم ریاست‌طلبی رهبر	S: 59	صفت سوم، تعبیر آخر آیه است که نکته بسیار ظریفی دارد که مبدا در مقام رهبری و دعوت مردم، داعیه رهبری و داعیه ریاست بر سر کسی بیافتد که در آنجا از دعوت الی‌الله منصرف خواهد شد، لذا می‌فرماید که بگوید «أَنْتَ مِنَ الْمُسْلِمِينَ» من هم یکی از بندگان مسلمان خدا هستم.

با تأمل در دلالت‌های ارائه شده می‌توان به موارد ذیل به عنوان مهم‌ترین صفات ولی فقیه در اندیشه آیت‌الله مهدوی کنی اشاره نمود:

۵-۱. تقوا و عدالت

در نظر آیت‌الله مهدوی کنی، تقوا شرط اساسی برای تصدی منصب ولایت فقیه است. ایشان ضمن تبیین معنای کلی تقوا (کد: ۱۷)، این صفت را در رهبر دینی با سه ملاک توضیح می‌دهد. اولین ملاک در این زمینه این است که رهبر دینی مردم را به سوی خدا دعوت کند (کد: ۲۱). ملاک دوم وجود تقوا در رهبر اسلامی، وجود عمل صالح در وی است، زیرا کسی که می‌خواهد داعی الی‌الله باشد، ابتدا باید خودش را آماده و تربیت کرده باشد (کد: ۲۲) و ملاک سوم نیز عدم ریاست‌طلبی است (کد: ۲۳). به اعتقاد ایشان اگرچه حکم تقوا خطاب به عموم مسلمانان می‌باشد، اما افراد با توجه به مسئولیت و قدرتی که دارند از تکالیف متفاوتی برخوردارند، بنابراین با افزایش مسئولیت و قدرت یک شخص، تکلیف او بر رعایت تقوا بیشتر می‌شود و به همین خاطر ولی فقیه که در رأس یک نظام سیاسی قرار می‌گیرد، باید از حد اعلای تقوا برخوردار باشد (کد: ۱۸).

۲-۵. علم و سداد

آیت‌الله مهدوی کنی همچون سایر فقها، وجود علم در ولی فقیه را شرط می‌دانند، چراکه به نظر ایشان کسی عهده‌دار اداره یک جامعه می‌شود، باید مطابق آن فکر و برنامه‌ای که قرار است در آنجا پیاده شود، رفتار کند، لذا از آنجایی که بناست دین اسلام در جامعه پیدا شود، رهبری آن باید بر عهده کسی باشد که عالم به احکام الهی باشد (کد: ۱۶ و ۱۹).

۳-۵. بینش سیاسی

آیت‌الله مهدوی کنی، فردی را که بینش سیاسی و فقاقت را در خود جمع کرده باشد، برای تصدی امر ولایت فقیه مجاز می‌دانند و فقاقت منهای بینش سیاسی را برای منصب ولایت فقیه رد می‌کنند (کد: ۲۰).

۴-۵. شجاع و مدبر بودن

وجود صفت شجاعت و مدبر بودن لازمه اصلی رهبری جامعه اسلامی است که در بیان آیت‌الله مهدوی کنی نیز مورد اشاره قرار گرفته است (کد: ۱۹).

۶. نظارت خبرگان بر رهبری

کوچکترین انحراف در حاکم اسلامی با توجه به اختیارات گسترده وی، آثار تخریبی فراوانی به دنبال دارد، لذا باید با رصد استمرار صفات و شرایط رهبری، همیشه این اطمینان حاصل شود که ولی فقیه دارای شرایط لازم برای اعمال ولایت است. در جمهوری اسلامی ایران برای تشخیص این منظور، طبق اصل ۱۰۷ و ۱۱۱ قانون اساسی خبرگان رهبری که از جمعی از فقهای منتخب مردم هستند، در نظر گرفته شده است. در باب دامنه و نحوه شمول نظارت مجلس خبرگان بر ولی فقیه مباحث مختلفی ارائه شده است. عده‌ای بر این نظرند که مجلس خبرگان، بنا بر اصل احتیاط باید با موضعی نقادانه تمام اعمال و عملکرد ولی فقیه را مورد بررسی قرار دهد، بر این اساس مجلس خبرگان باید در همه نهادهای زیر نظر ولی فقیه و عملکرد وی نظارت استصوابی یا استطلاعی مورد به مورد انجام دهد. از طرف دیگر عده‌ای مخالف هرگونه نظارت مستمر و گسترده بر رهبری به دلیل تضعیف رهبری و ایجاد یک رهبری مخفی و

همچنین ناسازگاری با ولایت مطلقه هستند و به نظر آن‌ها نظارت کلی و فی‌الجمله‌ای که از اصل ۱۱۱ استنباط می‌شود، کافی است. بر اساس این نظر وجود شرایط رهبری استصحاب می‌شود و از بین رفتن صفات رهبری باید با نظارت موردی و موقتی اثبات شود، لذا این گروه معتقد به نظارت بر شرایط هستند، نه نظارت بر عملکرد (جوان آراسته، ۱۳۸۸، ص. ۲۱۲). اظهارات آیت‌الله مهدوی کنی در مورد شیوه نظارت مجلس خبرگان بر رهبری در ادامه جمع‌آوری شده است:

جدول شماره (۵): مدارک مرتبط با موضوع نظارت خبرگان بر رهبری

کد	دلالت	منبع	متن
۲۴	نظارت خبرگان بر صفات	S: 103	مجلس خبرگانی که قرار است برای تعیین مقام رهبری کار کند، وظیفه آن چیست؟... دومین کار مجلس خبرگان این است که بر کار رهبر نظارت می‌کند که اگر خدای ناکرده رهبر، شرایط رهبری را از دست داد، سنش بالا رفت، جهات دیگری پیش آمد که نتوانست وظایفش را انجام دهد، رهبر دیگری به جایش تعیین شود.
۲۵	ولایت فقیه محور وحدت جامعه	A: 168	عامل اصلی و اساسی ورود جدی من در این انتخابات هم همین بود که من احساس کردم، محور وحدت در انقلاب مورد حمله قرار گرفته است و اگر حریم این محور وحدت حفظ نشود، انقلاب از بین می‌رود. شما مطمئن باشید که حفظ همه ارزش‌های این انقلاب، منوط به حفظ محور ولایت است.
۲۶	صیانت از حوزه رهبری	H1	صیانت و حفاظت از حوزه رهبری یکی از وظایف اصلی ماست و بیان راهنمایی و دیدگاه‌های شما (نمایندگان خبرگان) ضرورت دارد. ما باید در راستای حفظ این حوزه تلاش کنیم و حضور ما هر ساله در این جمع بیانگر این است که ما در این سنگر آماده هستیم.
۲۷	وظیفه خبرگان در مقابل رهبری	H2	راهی که بنده در این مسیر پیش گرفته‌ام و از روی اعتقاد است و البته همه هم می‌دانند و خدا هم می‌داند، این است که بنده روش امام را در پیش گرفتم و این راه را راه درست می‌دانم که تضعیف علما، تضعیف رهبری، تضعیف نهادهای وابسته به رهبری درست نیست، اگرچه

کد	دلالت	منبع	متن
			<p>همه اینها ممکن است یک اشکالاتی داشته باشد. یک بار یک کسی به من گفت: «شما که رئیس مجلس خبرگان شدی، چرا انتقاد نمی‌کنی؟»، فکر کرده بود که من آمدم رئیس بشوم که همه چیز را به هم بزنم! بنده گفتم نظارت بر رهبری یعنی حراست از رهبری. «وَاجْعَلْهُم مِّنْ حَصْنَتِهِ مِّنْ بَأْسِ الْمُعْتَدِينَ» ما باید رهبری را از بغی ظالمین و کید حاسدین حفظ کنیم. البته این حفظ گاهی ممکن است به تذکر برسد، یا حفاظت از اطراف جهات رهبری باشد، اما به این معنا نیست که ما صبح تا شب ایشان را «سین جیم» کنیم.</p>
۲۸	تیین مفهوم نظارت حراستی	H3	<p>خبرگان دو وظیفه دارد، تعیین رهبری یا تشخیص رهبری و وظیفه دوم خبرگان نظارت بر رهبری است. این نظارت یعنی چه؟ آیا این نظارت، نظارت استطلاعی است یا نظارت استصوابی؟... اگر نظارت استصوابی باشد، معنایش این است که رهبر هر کاری که می‌خواهد بکند باید بیاید از ما اجازه بگیرد... یعنی واقعاً رهبر یک کشور باید دائم اجازه بگیرد؟ مسلماً این طور نیست. یک مسئله هم استطلاعی است، یعنی ما برویم دنبال کار ایشان و تمام کارهای ایشان را زیر و رو کنیم که شما چه کار می‌کنید و چه کار نمی‌کنید؟ و کارهای شما چیست؟ به نظر من هر دوی اینها به این معنا درست نیست. من می‌گویم این نظارت، نظارت حراستی است و این در دنیا هم هست، یعنی مراقبتی که منشأ حفظ رهبری باشد. نگذاریم کارهای خلاف در مملکت واقع شود یا حملاتی واقع شود یا ایشان مورد هجوم قرار بگیرد، خود ما باید سینه‌ها را سپر کنیم و حفظ کنیم که تنها به میدان نیاید و صحبت کند. در خبرگان گفتم که شما باید از جایگاه رهبری حراست کنید.</p>

با توجه به دلالت‌های ارائه شده، نظر آیت‌الله مهدوی کنی درباره شیوه نظارت خبرگان بر رهبری به شرح ذیل است:

از منظر آیت‌الله مهدوی کنی، امکان لغزش و از دست رفتن شرایط رهبری وجود دارد و لذا بر نظارت مجلس خبرگان بر رهبری تأکید دارند (کد: ۲۴)، بنابراین در اندیشه ایشان، نظارت بر رهبری امر مسلمی است. حال این سؤال پیش می‌آید که چه نوع نظارتی مد نظر ایشان بوده است. ایشان نظارت استصوابی و استطلاعی را رد و نظارت سومی را تحت عنوان «نظارت حراستی» مطرح می‌کنند (کد: ۲۸). حال باید دید این نوع نظارت در اندیشه آیت‌الله مهدوی کنی به چه معنا است.

به نظر آیت‌الله مهدوی کنی، خبرگان وظیفه حفظ حریم و جایگاه ولایت فقیه را برعهده دارد، چراکه ولایت فقیه محور وحدت در جامعه اسلامی است و در صورت نبود آن جامعه اسلامی از بین می‌رود (کد: ۲۵)، بنابراین خبرگان باید قبل از هر چیز از جایگاه ولایت فقیه (نه ولی فقیه) حراست کند و از تضعیف رهبر دارای شرایط و نهادهای وابسته به آن جلوگیری کند، زیرا تضعیف شخص ولی فقیه دارای شرایط نیز باعث تضعیف جایگاه ولایت می‌شود (کد: ۲۶ و ۲۷).

با این توضیح نظارت خبرگان بر رهبری نیز این‌گونه تحلیل می‌شود که خبرگان در راستای جلوگیری از لطمه به مقام ولایت، مراقب وجود و بقای صفات در ولی فقیه هستند. در این دیدگاه اگرچه خبرگان بر بقای صفات و شرایط ولی فقیه نظارت دارد و برای این کار باید بر کار و عملکرد رهبری نظارت داشت (کد: ۲۴)، اما این نظارت باید به منظور و در راستای حفظ اصل ولایت باشد، لذا آیت‌الله مهدوی کنی معتقد به نظریه نظارت حداکثری نبودند، چراکه «عیب‌جویی» و «سین جیم» کردن رهبری را قبول نداشتند (کد: ۲۷). از طرف دیگر حذف نظارت بر رهبری را نیز به دلیل جلوگیری از وقوع کارهای خلاف و لطمه به اصل ولایت رد می‌کنند و به اقتضای حفظ این جایگاه، وقوع تذکر یا حفاظت از اطراف جهات رهبری را صحیح می‌دانند (کد: ۲۷). با توجه به اینکه در ظاهر نیز میان مفاهیم نظارت و حراست تعارض وجود دارد، در مجموع گفتارهای ایشان در خصوص نظارت حراستی را این‌گونه می‌توان تبیین کرد که اولاً، روش و کیفیت نظارت بر بقای صفات در مصداق ولایت فقیه به گونه‌ای باشد که به اصل ولایت فقیه و اقتضائات آن جایگاه آسیبی نرسد؛ ثانیاً، در فرض بقای صفات، خبرگان نه تنها در تعامل با ولی فقیه به صورت مچ‌گیری و سلبی عمل نمی‌کنند، بلکه در مقام اعمال ولایت به صورت ایجابی به کمک رهبری می‌شتابند (کد: ۲۶).

نتیجه‌گیری

آیت‌الله مهدوی کنی (رحمة‌الله‌علیه) مبنای مشروعیت ولی فقیه به عنوان حاکم جامعه اسلامی را صرفاً نصب الهی می‌دانستند، بنابراین ایشان معتقد به نظریه انتصاب هستند و از نظر ایشان جایگاه مقبولیت مردمی صرفاً در مرحله تحقق خارجی ولایت فقیه بروز می‌کند، به نحوی که از یک طرف ولی الهی بدون رضایت و حمایت مردمی بر آنان حکومت نمی‌کند و مسئولیتش معلق می‌شود و از جانب دیگر مردم نیز مکلف به تبعیت از ولی الهی هستند و اگر در مقابل حاکمیت طاغوت سکوت کنند، مرتکب گناه شده‌اند.

در خصوص محدوده اختیارات فقیه، آیت‌الله مهدوی کنی به ولایت مطلقه فقیه قائل بودند و ولایت فقیه را از سنخ ولایت انبیاء می‌دانستند. ایشان همچنین در خصوص جمع بین ولایت مطلقه و قانون اساسی نکات جالب توجهی بیان داشته‌اند. به عقیده ایشان، اقتضای ولایت مطلقه عدم انحصار اختیارات ولی فقیه در موارد مصرح در قانون اساسی است، البته به نحوی که وجود قوا و نظامات حکومتی لغو نشود و اصل مشورت نیز محفوظ بماند، بنابراین علی‌الاصول ولی فقیه ترسیم مسیر، هماهنگی و حل اختلاف قوای حاکمیتی با استفاده از نظرات کارشناسی و مشورت با مجمع تشخیص مصلحت نظام در چارچوب قانون اساسی (بند ۱ و ۲ اصل ۱۱۰) صورت می‌دهد و صرفاً در موارد بحرانی و حساس اعمال ولایت می‌کند.

ایشان، تقوا و عدالت، علم و سداد، بینش سیاسی و شجاعت را صفات لازم برای تصدی منصب ولایت فقیه می‌دانند و معتقدند که ولی فقیه باید این صفات را به نحو حداکثری دارا باشد، بنابراین تقوا و عدالت مورد انتظار از وی با کارگزاران عادی متفاوت است.

در خصوص نظارت مجلس خبرگان بر بقای صفات نیز ایشان قائل به نظارت حراستی است. با توجه به اینکه نظارت بر بقای صفات در اندیشه آیت‌الله مهدوی کنی امر مسلمی بوده است و در ظاهر امر میان مفاهیم نظارت و حراست تعارض وجود دارد، به نظر می‌رسد نظارت حراستی بدین معنا باشد که اولاً روش نظارت بر بقای صفات در مصداق ولایت فقیه به گونه‌ای باشد که به اصل ولایت فقیه آسیبی نرسد؛

ثانیاً در فرض بقای صفات، خبرگان نه تنها در تعامل با ولی فقیه به صورت سلبی عمل نمی‌کند، بلکه در مقام اعمال ولایت به صورت ایجابی به کمک رهبری می‌شتابد. مجموع یافته‌های پژوهش حاضر را می‌توان به صورت مختصر در جدول زیر سازماندهی نمود:

جدول شماره (۶): خلاصه یافته‌های تحقیق: دیدگاه آیت‌الله مهدوی در موضوع ولایت فقیه

موضوع	مهم‌ترین نظریات موجود		نظر آیت‌الله مهدوی کنی
ضرورت وجود حکومت اسلامی	ضرورت اجتماعی	ضرورت شرعی	ضرورت شرعی
مشروعیت حاکم اسلامی	نظریه انتخاب	نظریه انتصاب	نظریه انتصاب
محدوده اختیارات فقیه	ولایت مقیده	ولایت مطلقه	ولایت مطلقه
نظارت بر ولی فقیه	حداقلی	حداکثری	حراستی

کتابنامه

قرآن کریم.

- ابن ادریس حلی، محمد بن احمد (بی‌تا). *السرائر*. قم: مؤسسه نشر اسلامی.
- ایمان، محمدتقی و نوشادی، محمودرضا (۱۳۹۰). «تحلیل محتوای کیفی»، *عیار پژوهش در علوم انسانی*، ۶(۲)، ۴۴-۱۵.
- جاوید، محمدجواد (۱۳۹۱). *روشن تحقیق در علم حقوق*. تهران: مخاطب.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۱). *ولایت فقیه: ولایت فقهت و عدالت*. قم: مرکز نشر اسراء.
- جوان آراسته، حسین (۱۳۸۸). *مبانی حکومت اسلامی*. قم: بوستان.
- حسینی، سیدمیرعبدالفتاح (بی‌تا). *العناوین الفقہیہ*. قم: مؤسسه نشر اسلامی.
- خمنی، سیدروح‌الله (۱۴۱۰ق). *کتاب البیع*. قم: مؤسسه اسماعیلیان.
- خمنی، سیدروح‌الله (۱۳۹۱). *ولایت فقیه؛ حکومت اسلامی*. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (رحمة‌الله‌علیه).
- راجی، سید محمدهادی (۱۳۸۷). «*قلمرو اختیارات و وظایف ولی فقیه در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران*». (پایان‌نامه کارشناسی ارشد)، دانشگاه امام صادق (علیه‌السلام)، تهران، ایران.
- طحان نظیف، هادی (۱۳۸۸). «*ماهیت و جایگاه سیاست‌های کلی نظام در حقوق اساسی*

جمهوری اسلامی ایران». (پایان‌نامه کارشناسی ارشد)، دانشگاه امام صادق (علیه‌السلام)، تهران، ایران.

قاضی شریعت‌پناهی، ابوالفضل (۱۳۹۳). حقوق اساسی و نهادهای سیاسی. تهران: میزان. مفید، محمد بن محمد بن النعمان (بی‌تا). المقنعه. قم: مؤسسه نشر اسلامی.

منتظری نجف‌آبادی، حسینعلی (۱۴۰۹ق). دراسات فی ولایة الفقیه و فقه الدولة الإسلامیة. قم: نشر تفکر.

مهدوی کنی، محمدرضا (۱۳۸۰). بیست گفتار. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

مهدوی کنی، محمدرضا (۱۳۹۰). دوازده گفتار. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

مهدوی کنی، محمدرضا (۱۳۹۰). عقل و دین. تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (علیه‌السلام).

مهدوی کنی، محمدرضا (۱۳۹۳). سیاست اخلاقی و اخلاق سیاسی. تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (علیه‌السلام).

نجفی، محمدحسن (بی‌تا). جواهر الکلام (عباس قوچانی، محقق). قم: دار احیاء التراث العربی.

هاشمی شاهرودی، سید محمود (بی‌تا). فرهنگ فقه فارسی. قم: مؤسسه دایرة‌المعارف فقه اسلامی.